

اسراف در اقتصاد اخلاق

(بررسی رفتار مصرف کننده و تولیدکننده)

بیژن بیدآباد^۱

کلمات کلیدی: رفتار مصرف کننده، رفتار تولیدکننده، اسراف، اقتصاد اخلاق، رفاه

JEL: D11, D21, Z12, D19, D24

چکیده

این مقاله به بررسی نظری آثار اسراف در رفتار اقتصادی مصرف کننده و تولیدکننده می‌پردازد. تباه شدن کالا سبب ایجاد مطلوبیتی برای مصرف کننده نخواهد شد و فقط «اُکل» در تابع مطلوبیت مصرف کننده قواعد ارجحیت‌های آشکار را می‌پذیرد و نه «مسرف». از لحاظ تعریفی مصرف برابر با مجموع «اُکل» و «مسرف» است. پس مصرف کننده بخشی از مطلوبیت خود را به دلیل «مسرف» (یعنی تباه شدن منابع) از دست می‌دهد. میزان درآمد از دست داده شده در اثر اسراف باید توسط کار بیشتر جبران گردد تا رفاه وی ثابت بماند. لذا در این مقاله رفتار مصرف کننده را از لحاظ کار و فراغت در ارتباط با اسراف بررسی می‌کنیم. در بخش دوم مقاله اسراف در تولید بررسی می‌شود. مواردی نظیر اسراف در بهره‌وری کل، اسراف در ترکیب نابهینه عوامل تولید، ضایعات در تولید و همچنین فساد محصول از دیدگاه کاهش بازدهی و عرضه محصول ناشی از اسراف بررسی می‌شوند. بر اساس بررسی‌های نظری می‌توان ابراز داشت که اسراف سبب از بین رفتن فراغت انسان‌ها و مطلوبیتی که از فراغت می‌برند خواهد شد. حال اگر آموزه‌های اقتصاد اخلاق در شاکله‌الگویی مصرف تقویت شوند می‌توان این فرآیند را به سمت رفتار معتدل مصرف سوق داد در غیر این صورت جامعه به سمت صرف تمام سرمایه خود به «فقط تولید- فقط مصرف» کشیده خواهد شد. و گزاره اخیر با پیشرفت اقتصاد دانش محور تشدید نیز خواهد شد.

^۱ دکتر بیژن بیدآباد، مشاور موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.

اگر شیوه‌های رفتار اقتصادی تربیت نشوند جامعه با کشیده شدن به سمت یوتیلیتاریسیسم تمام سرمایه زندگی خود را صرف تولید کالا و سپس مصرف آن و تلذذ از آن مصرف می‌نماید. پس باید آموزه‌هایی بکار گرفته شوند تا از تبدیل انسان به ماشین «فقط تولید- فقط مصرف» جلوگیری نماید. این نگاه می‌تواند مبنای جهت‌دهی رفتارهای مصرفی و الگوی مصرف و تغییر معیارهای مستقر در رفتار مصرف‌کننده باشد، این است که مبحث اقتصاد اخلاق این نگاه را بر رفتار اقتصادی انسانها می‌گشاید.

اقتصاد اخلاق به عنوان مبحثی که همواره مد نظر فلسفه اقتصاد اسلامی بوده کمتر در نظریات جدید اقتصادی مورد توجه قرار گرفته است. اقتصاد اخلاق را به عنوانی نامی نو از مباحث ارزشی قدیمی در اقتصاد مطرح می‌نماییم که با توجه به رعایت اصول اخلاقی به تحلیل پدیده‌های اقتصاد و رفتار اقتصادی می‌پردازد. در این نگرش هدف بررسی‌های اقتصادی این است که تنها نباید مسائل اقتصادی را صرفاً مادی و بدون ملاحظات ارزشی و اخلاقی تحلیل کرد. بلکه باید اصول ارزشی اخلاق انسانی را در راستای مسائل اقتصادی مد نظر قرار داد و مسائل را به گونه‌ای تجزیه تحلیل نمود که منافع فرد و جامعه با ملاحظات مادیات و معنویات انسانی هر دو مد نظر قرار داشته باشد. این نگاه به مسائل اقتصادی دو بُعد مادی و معنوی انسان را در رابطه با اقتصاد بطور همزمان مطرح می‌سازد و این دو نگاه را با زمینه‌های فردی و اجتماعی در جهت بررسی رفتار فرد و اجتماع می‌سنجد که برخلاف نگاه مادی به اقتصاد جامعتر است و ضمن قبول قوانین علمی اقتصاد سعی بر یافتن رفاه مادی و معنوی انسان در دامنه‌ای وسیعتر از مادیات صرف دارد.

یکی از مباحث مهم در اقتصاد اخلاق مبحث اسراف است. اسراف از باب «افعال» و ناش از اول شخص مغایب «سرف» به معنی «از حد اعتدال خارج شدن» است و این خروج بیشتر به اخراج در فزونی است تا نقصان. راغب اصفهانی «سرف» را تجاوز از حد در کلیه افعال انسان تعریف می‌کند.^۲ تعریف و ترجمه رسای دیگری را برای اسراف قرآن خطی شماره ۴ آستان قدس رضوی^۳ ارائه می‌دهد که بیشتر مورد نظر و توجه این مقاله قرار دارد. قرب زمانی این ترجمه به صدر اسلام در انطباق مصداق مفهوم به منطوق لا اقل از بُعد تاریخی به مقصود ناطق اقرب است.

در این قرآن اسرف به معنی «تباهکاری کند» و اسراف به معنی «تباهها و تباه کرده» معنی شده است. این معنی یعنی تباه کردن از لحاظ اقتصاد و اقتصاد اخلاق اهمیت بسزایی دارد. زیرا تباه کردن منابع در اقتصاد اخلاق از اهم موضوعات قابل بحث است. زیرا در اقتصاد هدف اصلی بهره بردن حداکثر از منابع می‌باشد و اگر بخشی از منابع احصاء شده غیر قابل بهره برداری باشد مسلماً بهینه‌سازی در همه بازارها و رفتارهای اقتصادی دچار نقصان خواهد شد. از این رو باید گفت مبحث اسراف یکی از اساسی‌ترین مباحث اقتصاد اخلاق است که در اینجا به آن می‌پردازیم.

در قرآن کریم آیات متعددی به اسراف پرداخته‌اند و آن را مذموم شمرده‌اند. در ذیل آیه^۴ «ای فرزندان آدم زینتهای خود را در هر مسجدی برگیرید و بخورید و بیاشامید و اسراف مکنید که خداوند اسرافکاران را دوست نمی-

^۲ راغب اصفهانی، معجم مفردات الفاظ القرآن، انتشارات دارالفکر، بیروت، لبنان، صفحه ۲۳۶.

^۳ فرهنگ لغات قرآن خطی آستان قدس رضوی با ترجمه فارسی کهن، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۳، وزارت فرهنگ و آموزش عالی. این مجموعه به کوشش احمدعلی رجائی بخارایی از قرآن مزبور استخراج شده است و کاتب قرآن مزبور سعدبن عبدالجبار بن احمد المکنی بابی الحرث.

^۴ سوره اعراف، آیه ۳۱. «يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ».

دارد. در شرح این آیه در تفسیر شریف بیان السعاده فی مقامات العباده مرقوم است که^۵: «يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ» ای فرزندان آدم زینتهایتان را بگیرید، از آن چه جمال شما به آن است، از طهارت ابدان از اخبثات و احداث و لباس‌های زیبا پاکیزه، و حُسن دادن مویهای سرتان و ریشتان با شانه کردن و غیر آن هر چه که با آن زینت داده می‌شود از روغن‌ها و خضاب و از افعال حمیده و اقوال فصیحه از امور آخرت و از محبت خویشاوندان و عقاید صحیحه و از احوال و اخلاق جمیله و مکاشفات صحیحه و مشاهدات قلبیه و معاینات روحیه «عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ» در هر مسجدی، و بیان مسجد و وجه دخول لفظ عموم بر آن و این که اصل همه عبارت از خلیفه خدا در زمین است گذشت. و زینت و مسجد در این آیه و در غیر آن به آنچه که ذکر کردیم تفسیر شده. هر کس بخواهد بر آنچه که از معصومین ع وارد شده اطلاع یابد، به «کافی» و «صافی» و غیر آن دو رجوع کند. «وَكُلُوا وَاشْرَبُوا» بخورید و بیاشامید زیرا که زینت و خوردن و آشامیدن برای شما مباح است و با اقامه و جوه در مساجد منافاتی ندارد، بلکه شما را برای این کار تقویت می‌بخشد، تعمیم خوردن و آشامیدن همانند زینت واضح است. «وَلَا تُسْرِفُوا» ولیکن اسراف نکنید در افراط به زینت کردن که از اقامه و جوه (توجه به حق) و امانید، به دلیل اشتغال نفوس شما به تحصیل آن و تحصیل بهای آن و حفظ آن از کثیف شدن، و در افراط در خوردن و نوشیدن و در پاکیزه کردن خوراکیها و نوشیدنیها، زیرا خوردن و آشامیدن بیش از اندازه اشتهای شما، موجب زیان در کالبد و روان و کسالت و اشتغال شماست. «إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» خداوند اسراف کاران را در هر چیزی که باشد دوست ندارد. زیرا که اسراف در همه افعال و اقوال و احوال جریان دارد. چنانکه در خبر در جواب کسی که پرسیده است وارد شده: آیا در وضو اسراف هست؟ فرموده: بلی، در وضو اسراف هست اگر چه بر سر نهر باشی. چون استعمال قوا و اعضا در هر کاری زیادتر از مقدار تحصیل حقیقت آن فعل و زیادتر از تحصیل کمالات آن اعم از این که فعل واجب باشد یا مستحب یا مباح، اسراف محسوب می‌شود و این معنی بر حسب تنزیل است. اما بر حسب تأویل و باطن، اسراف در خوردن و آشامیدن و پوشیدن به این است که نفس بر عقل غلبه کرده و از امر و نهی در مورد آنها غفلت می‌کند، پس همانا اسراف تحصیل کردن مشتهیات و خواستههای نفس است غالب بر عقل و امر الهی.

از بیان فوق جامعیت منع اسراف در همه امور قابل فهم است، و در این مبحث به مفهوم اقتصادی اُکل و شرب که از بعد اقتصادی در زمره مصرف می‌گنجد می‌پردازیم. در آیه دیگری می‌فرماید: «از ثمره آن هنگامی که به بار نشست بخورید و روز برداشت حق او را بدهید و اسراف مکنید که خدا مسرفان را دوست نمی‌دارد.» که اشاره به ابعاد تولید در رابطه با اسراف دارد و اشارات متعدد دیگری که در آیات قرآن وجود دارد که ضمن اینکه مالکیت فرد را بر اموال خود ضمناً مرعی می‌دارد وی را محدود می‌کند که جانب اعتدال را در صرف منابع هم در مصرف و هم در تولید رعایت کند و تجاوز از این حد را اسراف دانسته و مذموم می‌شمارد.

نه تنها در تفاسیر امامیه و برادران متسنن و در روایات کتب اربعه خاصه و صحاح سته عامه شرح و اخبار زیادی درباره حکم و حکم اسراف وارد شده بلکه کتب فقهی نیز به کرات مبحث اسراف را تحت مذاقه قرار داده‌اند که مرور بر این ادبیات جلدها کتاب لازم دارد. کتب تحلیلی- اقتصادی معاصر نیز هر چند مبحث اسراف را از اهم سرفصل‌های

^۵ حضرت حاج ملا سلطان محمد بیدختی گنابادی، بیان السعاده فی مقامات العباده، جلد پنجم، ترجمه محمد رضاخانی و دکتر حشمت‌الله ریاضی، صفحات: ۲۶۹-۲۶۸.

^۶ سوره انعام، آیه ۱۴۱ «كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ»

اقتصاد اسلامی دانسته‌اند ولی به بررسی رفتار اقتصادی واحدهای اقتصادی یعنی مصرف کننده و تولید کننده از لحاظ نظری نپرداخته‌اند. و همچنین این موضوع نیز از نگاه اقتصاد اخلاق نیز توسعه داده نشده است. و با توجه به اهمیت آن لازم است که همچنان درباره آن تدقیق و تحقیق و تجربه بیشتری صورت پذیرد.

رفتار مصرف کننده و اسراف

بر اساس نظریه رفتار مصرف کننده در اقتصاد خرد مبنای رفتاری مصرف بر اساس فروض زیر قرار دارد: اگر مصرف کننده مطلوبیت بیشتری از مصرف A بدست می‌آورد تا مصرف B می‌گوئیم A ترجیح است به B. این فرض در اصل فرض اصلی رفتار عقلانی مصرف کننده را تشکیل می‌دهد و این فرض در اقتصاد اخلاق نیز مورد قبول می‌باشد زیرا کل ما حکم به العقل حکم به الشرع. پس برای تمام گزینه‌های ممکن B و A مصرف کننده بین A و B یا A را بر B یا B را بر A ترجیح می‌دهد و یا بین A و B بی تفاوت است. و فقط یکی از این ترجیحات صحیح است و اگر مصرف کننده A را بر B و B را بر C ترجیح دهد او A را بر C ترجیح خواهد داد.^۷ بر اساس منطبق فوق و با فرض مرتبی بودن^۸ مطلوبیت نظریه رفتار مصرف کننده در اقتصاد خرد پایه ریزی شده است.

در اقتصاد اخلاق و در مبحث اسراف علاوه بر فروض و منطبق فوق موضوع دیگری مطرح می‌شود که آن در قالب فروضی نظیر اشباع پذیری نیز در رفتار مصرف کننده قابل طرح است. کلیه فروض مربوط به تابع مطلوبیت از قبیل اکیداً شبه مقعر^۹ و فروض حاشیه‌ای دیگر از لحاظ کیفیت زمان و مقدار کالا (غیر عدد صحیح بودن) و مشابه همانند تحلیل‌های خرد کلاسیک در اینجا نیز فرض شده‌اند.

در حالت متعارف در نظریه رفتار مصرف کننده در اقتصاد خرد، مصرف کننده تابع مطلوبیت خود را (f) با توجه به قید بودجه حداکثر می‌نماید. یعنی

$$\text{Max: } f(q_1, q_2) \quad (1)$$

$$\text{S. to: } y = p_1 q_1 + p_2 q_2$$

با تشکیل معادله لاگرانژ و بدست آوردن شروط لازم و کافی مطلوبیت مصرف کننده هنگامی حداکثر می‌شود که نسبت مطلوبیت‌های نهائی مساوی نسبت قیمت‌ها شود:

$$\frac{f_1}{f_2} = \frac{p_1}{p_2} \quad (2)$$

که در آن f_1 و f_2 مشتقات مرتبه اول تابع مطلوبیت f نسبت به مقدار کالاهای q_1 و q_2 می‌باشد و p_1 و p_2 و y^0 به ترتیب قیمت کالاهای q_1 و q_2 و درآمد مصرف کننده می‌باشند. شرط تعادل فوق به معنای این است که نرخ جایگزینی کالا مساوی مقدار ثابت ضریب لاگرانژ باشد. شرط کافی یعنی دترمینان هشین مرزدار نیز باید مثبت باشد تا تابع فوق حداکثر باشد. از حل مسئله (۱) و مشتق گیری تابع لاگرانژ نسبت به q_1 و q_2 و ضریب لاگرانژ و حل معادلات برای q_1 و q_2 توابع تقاضا بدست خواهند آمد:

$$\begin{aligned} q_1 &= \phi_1(p_1, p_2, y) \\ q_2 &= \phi_2(p_1, p_2, y) \end{aligned} \quad (3)$$

⁷ Transitive

⁸ Ordinal

⁹ Strictly quasi concave

که در آن‌ها تغییرات q_1 نسبت به تغییرات p_1 و تغییرات q_2 نسبت به تغییرات p_2 با شرط ثابت بودن سایر متغیرها در شرایط متعارف (غیرگیفن بودن) کالاها منفی است.

رفتار مصرف کننده برای تنظیم زمان کار و استراحت نیز از فرآیند مشابهی در اقتصاد خرد بدست می‌آید. بدین ترتیب که اگر تابع مطلوبیت وی (U) به شکل تابعی از فراغت (L) و درآمد (y) باشد می‌توان نوشت:

$$U=g(L,y) \quad (4)$$

اگر T کل زمان موجود برای فرد و W زمان کار و r نرخ دستمزد باشد زمان فراغت و درآمد وی با دو معادله زیر بیان خواهند شد:

$$L = T - W \quad (5)$$

$$y = rW$$

که با جایگزینی در تابع (4) خواهیم داشت:

$$U=g(T-W, rW) \quad (6)$$

تابع اخیر را با مشتق گیری نسبت به W و قرار دادن آن برابر صفر حداکثر نموده، خواهیم داشت:

$$\frac{-dy}{dL} = \frac{g_1}{g_2} = r \quad (7)$$

که g_1, g_2 مشتقات جزئی تابع g نسبت به W در تابع ترکیبی (6) برای جزءهای $T-W$ و rW می‌باشد. شرط (7) تعادل مصرف کننده بین کار و فراغت را در ارتباط با درآمد ناشی از کار ارائه می‌دهد. شرط کافی نیز مستلزم منفی بودن مشتق دوم تابع U نسبت به W است.

نگرش اقتصاد نئوکلاسیک به رفاه حداکثر نمودن مصرف است؛ با توجه به ارجحیت نسبی فرد در مورد کار و فراغت، از لحاظ نظری هرچند این پدیده از رفتار انسان‌ها قابل استنتاج است و افراد علاقه‌مند به حداکثر کردن مصرف خود هستند و ملاحظات فراغت و کار را مدنظر قرار می‌دهند ولی در عمل مشاهده می‌شود که مطلوبیت ناشی از مصرف بر مطلوبیت ناشی از فراغت می‌چربد. در بیانی بهتر شاید بتوان گفت که توجه انسان به مادیات ملموس که کالاها هستند بیش از مطلوبهای معنوی انسانی اوست که ملموس نیستند. زیرا حس‌های خمسه بشری در کالبد انسانی ماده را بهتر از معنا ادراک می‌کند. این پدیده در عمل انسان را تبدیل به ماشین کار می‌نماید که تمام هم و غم وی مصروف پرداختن به تولید مادی می‌گردد. در صورتی که انسان باید به تولید محصولات معنوی لازم برای خود نیز پردازد که معمولاً آن در زمان فراغت از کار مادی بهتر حاصل می‌شود. یعنی زمانی برای تفکر و اندیشه و محاسبه و تزکیه و تربیت و اصلاح امور روحی و معنوی و اخلاقی خود نیز لازم دارد تا در این ارتباط به هدف خلقت خود نیز پی برد و قدمی در اعتلای روحی خود بردارد. نگرش حداکثر کردن رفاه با حداکثر کردن مصرف به معنی این است که W در تابع (8) برای حداکثر شدن درآمد بیشتر و بیشتر گردد و مصرف مادی به معنای انتفاع تن از لذات جسمی و ملکی به معنی تصاحب روزافزون اموال و تکثر آنان است. در صورتی که انسان نمی‌تواند مصرف کننده کالا بدون حد و مرز باشد. زیرا برخلاف نظریات نئوکلاسیک‌ها در اقتصاد رفتار مصرف کننده، که مصرف کننده را اشباع ناپذیر¹⁰ فرض می‌کنند، مصرف کننده اشباع پذیر است یعنی بیش از اندازه‌ای حدوداً مشخص از کالاها و خدمات نمی‌تواند استفاده کند. به

¹⁰ - Non-satiation assumption.

عبارت دیگر گنجایش مصرف ندارد. این مسئله اگر در تمام کالاها صادق نباشد لااقل در مورد دسته‌ای از کالاها و خدمات صادق است. در مورد دسته دیگر که صادق نیست مبحث تملک و ارضاء انسان‌ها از داشتن دارائی بیشتر مدنظر قرار می‌گیرد که این موضوع به دلیل افکار روحی انسان‌ها و افزایش مطلوبیت آنها در اثر تملک بیشتر است. فرق اساسی در این دو گروه کالا از لحاظ کلی و بدون توجه به تمایزات جزئی طبقه‌بندی کلی کالاها و خدمات در دو گروه بی‌دوام و بادوام است که بی‌دوام‌ها باید مصرف شوند و عمر زیادی ندارند و بادوام‌ها تملیکی هستند و گاه عمر آنها بیش از عمر مالکان آنها نیز هست. این موضوع یعنی قناعت در مصرف بخصوص در دارایی‌های بادوام می‌تواند به عنوان یکی از سرفصل‌های اقتصاد اخلاق مطرح گردد و فعلاً از آن پرهیز نموده تا انشاءالله در مبحثی مجزا به آن بپردازیم.

اسراف منابع نوعی اتلاف منابع نیز هست ولی واژه اسراف مفهوم عامتری دارد که شامل زیاده‌روی در همه امور نیز می‌شود که اتلاف این تنوع مفهومی را ندارد. اسم مکان یا زمان برای اسراف، «مَسْرَف» یا «مَسْرَف» می‌شود که به معنی محل یا زمان اسراف معنی می‌دهد و اگر مکان یا زمان را مجازی بگیریم «مصرف» به معنی «مورد اسراف» خواهد بود. چیزی که در مبحث اسراف مدنظر است بیشتر از لحاظ مفهوم اسراف به معنی تباه کردن منابع موردنظر ماست که گرچه در مورد کالاهای بادوام نیز مصداق دارد ولی در کالاهای بی‌دوام بیشتر مفهوم پیدا می‌کند. چون اسراف سبب می‌شود بخشی از منابع کالایی دچار افساد با تباهی یا دورریزی یا زبالگی، ناشی از «حرص خرید»، یا ناشی از «مصرف تقلیدی»^{۱۱}، یا «مصرف خودنمائی»^{۱۲} یا «مصرف تشویقی»^{۱۳} یا «مصرف عادتی» یا بطور کلی تر «مصرف گرایی»^{۱۴} شود که این واژه‌ها در معنی واژه «مصرف» با حرف «سین» می‌گنجد نه «مصرف» با حرف «صاد» زیرا منابعی احصاء شده که مورد «اُکل» واقع نمی‌شود. به عبارت دیگر مصرف از لحاظ نظریات اقتصاد خرد به معنی خرید کالا یا تقاضای واقع شده تعریف می‌گردد یعنی با خرید کالا مفهوم مصرف تحقق می‌یابد در صورتی که اُکل به معنی صرف کردن کالا یا به واژگان عامه «خوردن» تلقی می‌شود و این خوردن لزوماً به معنی بلعیدن با حلق نیست بلکه «بکارگیری کالا» معنی می‌دهد. از طرفی برای اینکه مفهوم منطوق جدا از تداعیات اذهان باشد استعمال کلمات نامأنوس یا جدید (حتی لاتین) بهتر مقصود را می‌رساند. از این لحاظ اتحاد زیر را می‌نویسیم:

$$\text{مصرف} = \text{اُکل} + \text{مصرف} \quad (۸)$$

که معادل آن را به این شکل تعریف می‌کنیم:

$$q = q^* + \tilde{q} \quad (۹)$$

که در آن q همان مصرف مدنظر اقتصاددانان نئوکلاسیک است و q^* و \tilde{q} آن مقدار از q است که به ترتیب به اُکل می‌رسد و تباه می‌شود. تباه شدن می‌تواند در اینجا انواع معانی در مورد وجه مشخصه تباهی را در مورد کالاهای مختلف داشته باشد. مثلاً دورریختن کالا، فاسد شدن آن، غیرضروری بودن، ضایع شدن، از مدافتادن، بلااستفاده شدن و ... باشد که همواره مفهوم تباه شدن در مورد آنها مصداق دارد.

¹¹ - Imitative consumption pattern.

¹² - Keep up with Jones consumption pattern

¹³ - Consumptionism.

ساموئل استرئس مصرف تشویقی را علم اجبار انسان به استفاده بیشتر و بیشتر کالاها تعریف می‌نماید. نگاه کنید به:

Samuel Strauss (1870-1953) Critics on Consumptionism. The Atlantic Monthly, November 1924.

¹⁴ - Consumerism.

با توجه به رابطه (۸) یا (۹) مجدداً رفتار مصرف کننده را برای حداکثر نمودن مطلوبیت بررسی می‌کنیم. از لحاظ منطقی و عقلی اگر کالایی به نحوی تباه شود سبب ایجاد مطلوبیتی برای مصرف کننده نخواهد شد. به عبارت دیگر اگر بخشی از کالای خریداری شده ضایع یا فاسد شود یا غیرضروری باشد یا به دلیل تغییر زمان قابل استفاده نباشد یا از مد بیافتد یا به هر دلیل دیگری مورد استفاده به معنی اکل قرار نگیرد سبب ایجاد مطلوبیتی برای مصرف کننده نخواهد شد. یعنی فقط بهره‌برداری از کالا یا خدمت است که موجب انتفاع و مطلوبیت می‌گردد و نه تنها خرید کالا. لذا بر اساس رابطه (۸) فقط اکل در تابع مطلوبیت مصرف کننده قواعد ارجحیت‌های آشکار را می‌پذیرد و نه مسرف. تابع مطلوبیت مصرف کننده و مسئله حداکثرسازی آن را مجدداً با توجه به (۹) و با ساده و محدود ساختن مسئله به دو کالا می‌نویسیم:

$$\begin{aligned} \max \quad & f^*(q_1^*, q_2^*) \\ \text{s.to:} \quad & y^0 = p_1(q_1^* + q_1^{\sim}) + p_2(q_2^* + q_2^{\sim}) \end{aligned} \quad (10)$$

با توجه به توضیحات ذکر شده مبنی بر عدم مطلوبیت مسرف داریم q_1^{\sim}, q_2^{\sim} وارد تابع مطلوبیت نمی‌شوند ولی در خط بودجه مصرف کننده وارد شده است. یعنی:

$$\frac{\partial f^*}{\partial q_1^{\sim}} = \frac{\partial f^*}{\partial q_2^{\sim}} = 0 \quad (11)$$

معادله لاگرانژ را برای مسئله (۱۰) می‌نویسیم:

$$V = f^*(q_1^*, q_2^*) + \lambda [y^0 - p_1(q_1^* + q_1^{\sim}) - p_2(q_2^* + q_2^{\sim})] \quad (12)$$

شرط مرتبه اول برای حداکثر شدن (۱۲) برابر است با:

$$\begin{aligned} \frac{\partial V}{\partial q_1^*} &= \frac{\partial f^*}{\partial q_1^*} - \lambda p_1 = 0 \\ \frac{\partial V}{\partial q_2^*} &= \frac{\partial f^*}{\partial q_2^*} - \lambda p_2 = 0 \\ \frac{\partial V}{\partial \lambda} &= y^0 - p_1(q_1^* + q_1^{\sim}) - p_2(q_2^* + q_2^{\sim}) = 0 \end{aligned} \quad (13)$$

یا به عبارت دیگر شرط تعادل در مورد اکل همان شرط تعادل در حالت مصرف است یعنی:

$$\frac{f_1^*}{f_2^*} = \frac{p_1}{p_2} \quad (14)$$

ولی سطح مطلوبیت حاصل کمتر از سطح قبلی می‌باشد زیرا خط بودجه به میزان $p_1 q_1^{\sim} + p_2 q_2^{\sim}$ به چپ انتقال پیدا کرده یعنی:

$$(y - p_1 q_1^{\sim} - p_2 q_2^{\sim}) = p_1 q_1^* + p_2 q_2^* \quad (15)$$

به عبارت دیگر شیب منحنی‌های بی‌تفاوتی تغییر نکرده ولی به دلیل اینکه بخشی از درآمد به دلیل ضایع شدن یا تباه شدن کالا از دست می‌رود خط بودجه به سمت چپ انتقال یافته و به منحنی‌های بی‌تفاوتی‌ای مماس می‌شود که مقدار مطلوبیت آنها کمتر است. به عبارت دیگر برای جبران این کاهش باید مقدار هزینه مسرف $p_1 q_1^{\sim} + p_2 q_2^{\sim}$ به مصرف

کننده داده شود تا وی با همان الگوی اسراف سابق به حد مطلوبیت بدون اسراف برسد. یعنی به شرط جمع پذیر بودن^{۱۵} تابع مطلوبیت:

$$f(q_1, q_2) \Big|_y = f(q_1^*, q_2^*) \Big|_{y^*} + f(q_1^{\sim}, q_2^{\sim}) \Big|_{y^{\sim}} \quad (۱۶)$$

$$y = y^* + y^{\sim} \quad (۱۷)$$

$$p_1 q_1 + p_2 q_2 = p_1^* q_1^* + p_2 q_2^* + p_1 q_1^{\sim} + p_2 q_2^{\sim} \quad (۱۸)$$

پس از لحاظ مطلوبیت کسب شده توسط مصرف کننده با توجه به اینکه اکل سبب ایجاد مطلوبیت می شود در حالت متعارف در نظریه مصرف کننده، مصرف کننده بخشی از مطلوبیت خود را به دلیل مسرف یعنی تباه شدن منابع درآمدی خود از دست می دهد. میزان درآمد از دست داده شده در اثر اسراف یعنی y^{\sim} باید توسط کار بیشتر بدست آید تا رفاه وی را ثابت نگاهدارد. لذا در این حالت رفتار وی را از لحاظ کار و فراغت بررسی می کنیم. همانطور که در معادله (۴) نشان داده شده مطلوبیت کارگر تابع دو متغیر درآمد و زمان فراغت وی است. حال معادله دوم (V) را به شکل زیر

$$y = y^* + y^{\sim} \quad \text{می نویسیم:} \quad (۱۹)$$

$$rW = rW^* + rW^{\sim}$$

$$y = rW^* + rW^{\sim}$$

که y^{\sim} میزان تباه شدن منابع درآمدی وی بابت اسراف است که برای حفظ مطلوبیت مصرف با وجود مسرف باید ایجاد شود. W^{\sim} زمان کار برای کسب این درآمد می باشد. پس خواهیم داشت:

$$U = g(T - W, rW) = g[T - W^* - W^{\sim}, r(W^* + W^{\sim})] \quad (۲۰)$$

به سادگی از مقایسه (۶) با (۲۰) می توان دریافت که برای اینکه تعادل مصرف کننده در این حالت به وقوع بپیوندد میزان W^{\sim} ساعت باید به کار خود اضافه کند یا به عبارت دیگر از فراغت خود کم کند تا منابع درآمدی لازم برای مسرف را بدست آورد و نتیجتاً از مسرف هم مطلوبیتی نبرد. پس اگر مشتقات جزئی تابع U فوق را نسبت به W^* و W^{\sim} مساوی صفر قرار داده، خواهیم داشت:

$$\frac{dU}{dW^*} = -g_1^* + g_2^* r = 0 \quad \frac{dU}{dW^{\sim}} = -g_1^{\sim} + g_2^{\sim} r = 0 \quad (۲۱)$$

حال هر دو معادله بدست آمده را با هم جمع کنیم:

$$\frac{dU}{dW^*} + \frac{dU}{dW^{\sim}} = -(g_1^* + g_1^{\sim}) + (g_2^* + g_2^{\sim}) r \quad (۲۲)$$

که همان شرط تعادل (۷) است. به عبارت دیگر:

$$\frac{dU}{dW} = \frac{dU}{dW^*} + \frac{dU}{dW^{\sim}} \quad (۲۳)$$

و با توجه به اینکه $W = T - L$ می توان (۲۳) را اینگونه نوشت که:

¹⁵ Additive utility function assumption

$$\frac{dU}{dW} = \frac{dU}{dW} \cdot \frac{dW}{dL} = - \frac{dU}{dL} \quad (24)$$

پس:

$$- \frac{dU}{dL} = \frac{dU}{dW^*} + \frac{dU}{dW^{\sim}} \quad (25)$$

به عبارت دیگر به میزان $\frac{dU}{dW^{\sim}}$ مصرف کننده از مطلوبیت ناشی از فراغت خود را برای تأمین درآمد لازم برای اکتساب کالاهای مسرفی از دست می‌دهد. به عبارت ساده می‌توان چنین ابراز داشت که اسراف سبب از بین رفتن فراغت انسان‌ها و مطلوبیتی که از فراغت می‌برند خواهد شد. این نتیجه گیری ناقص فرض عقلانیت مصرف کننده نیست و این موضوع را توضیح می‌دهد که چون اسراف سبب می‌شود بخشی از منابع کالایی دچار افساد یا تباهی یا دورریزی یا زبالگی، ناشی از شکل غلط و فرم تابعی نادرست تابع مطلوبیت به دلیل عواملی نظیر «حرص خرید»، «مصرف تقلیدی»، یا «مصرف خودنمائی» یا «مصرف تشویقی»، یا «مصرف عادت» یا «مصرف گرایی» یا مواردی از این دست می‌باشد عملاً باید در عوض اینها مصرف کننده بیشتر کار کند و اوقات فراغت خود را از دست بدهد تا این پدیده‌های مسرفی را ارضاء نماید. و در اصل با این ارتضاء اُکلی صورت نمی‌گیرد و فقط خیالاً مرتضی می‌شود.

اسراف و تقاضای بازار

بوضوح از معادلات (۳) می‌توان نقش درآمد (y) را در توابع تقاضای افراد برای کالاها مشاهده نمود. چنانچه تابع تقاضا را در دستگاه مقدار (q) و قیمت (p) ببینیم افزایش y سبب انتقال تابع تقاضا به سمت راست و کاهش آن سبب انتقال آن به سمت چپ می‌شود. حال اگر مقدار درآمد را همانند معادله اول (۱۹) به دو قسمت درآمد لازم برای تأمین اُکل (y^*) و درآمد لازم برای تأمین مسرف (y^{\sim}) تقسیم کنیم نتیجه آن می‌شود که چنانچه y^{\sim} مقدارش در اثر جلوگیری از اسراف کم شود به همین میزان معادله تقاضا به سمت چپ کشیده می‌شود. این موضوع نه تنها درباره رفتار فرد صحت دارد بلکه برای تقاضای بازار نیز صادق است زیرا تقاضای بازار از جمع افقی توابع تقاضای افراد بدست می‌آید. یعنی اگر تابع تقاضای فرد i برای کالای j را به شکل D_{ij} در زیر نشان دهیم:

$$D_{ij} = D_{ij}(p_1, \dots, p_m, y_i) \quad (26)$$

که p_1, \dots, p_m قیمت m کالای موجود در تابع مطلوبیت مصرف کننده i و y_i درآمد مصرف کننده i می‌باشد؛ تابع تقاضای بازار برابر خواهد بود با:

$$D_j = \sum_{i=1}^n D_{ij}(p_1, \dots, p_m, y_i) \quad (27)$$

که n تعداد مصرف کننده در بازار است. و با ملاحظه y_i^* , y_i^{\sim} می‌توان عبارت فوق را به شکل زیر نوشت:

$$D_j = \sum_{i=1}^n D_{ij}(p_1, \dots, p_m, y_i^* + y_i^{\sim}) \quad (28)$$

رابطه فوق نشان می‌دهد که درآمد لازم برای تأمین مسرف تک تک مصرف کنندگان بعنوان یک جزء انتقال در تابع تقاضای بازار وجود دارد و کاملاً تقاضای بازار را تحت تأثیر قرار می‌دهد. برای مثال اگر y_i^{\sim} همه مصرف کنندگان یعنی درآمد لازم برای تأمین مخارج مسرف صفر گردد به میزان تابعی از همه y_i^{\sim} ‌های همه مصرف کنندگان در بازار،

تقاضا به سمت چپ انتقال می‌یابد. انتقال تقاضا به سمت چپ در بازار به شرط ثابت بودن عرضه و سایر متغیرها به معنی کاهش قیمت در بازار خواهد بود.

اسراف و رفتار تولید کننده

علیرغم اینکه اسراف یک پدیده بارز و شناخته شده در رفتار مصرف کننده می‌باشد ولی مصادیق قابل توجهی در رفتار تولید کننده دارد. معمولاً در فرآیند تولید به دلیل‌های مختلف خط تولید می‌تواند مولد ضایعات یا افساد مواد اولیه یا واسطه‌ای یا کالای تولیدی شود یا محصول را با بهای تمام شده بالاتر تولید نماید؛ یعنی منابع نیروی انسانی یا سایر عوامل تولید را بیش از حد لزوم بکار گیرد که همه این موارد در زمره مصادیق اسراف در بخش تولید تلقی می‌شوند. به عبارت دیگر از یک مقدار مشخص عوامل تولید بر اساس مشخصه‌های فرآیند تولید باید میزان معلومی محصول تولید شود که این میزان برابر با حداکثر ظرفیت تولیدی خط است و اگر از این رقم کمتر تولید شود عملاً اسراف در عوامل تولید محسوب می‌شود و یا اگر کیفیت محصول پائین‌تر از آنچه که باید تولید شود باشد نیز اسراف در بکارگیری عوامل تولید رخ داده است و اگر در قدم بعدی محصول به دلیل عدم رعایت نکات لازم برای حفظ و نگهداری دچار فساد یا زائل شدن خواص اصلی آن گردد باز اسراف واقع شده است. به عبارتی بخش عمده اسراف در تولید به استفاده ناکار از عوامل تولید منتج می‌شود که این موضوع را از این لحاظ بررسی می‌نمائیم.

نظریه رفتار تولید کننده

تابع تولید یک بنگاه نحوه ترکیب عوامل تولید (X_1, X_2, \dots) را برای تولید محصول Q نشان می‌دهد. در حالت ساده تولید q به شکل تابع f از عوامل تولید نشان داده می‌شود:

$$q = f(x_1, x_2) \quad (29)$$

این تابع یک تابع پیوسته تک-مقداری با مشتقات مرتبه اول و دوم پیوسته و برای مقادیر مثبت عوامل و محصول و افزایش در دامنه مزبور و به عنوان یک تابع دقیقاً شبه مقعر معمولی فرض می‌شود. در مقادیر ثابت x_2^0 از عامل تولید دوم میزان تولید متوسط و تولید نهائی هر عامل تولید x_1 به ترتیب برابر خواهد بود با نسبت کل تولید به مقدار کل عامل تولید ۱ و نسبت تغییرات تولید به تغییرات عامل تولید ۱. اگر دیفرانسیل کلی تابع (۲۹) را مساوی صفر قرار دهیم نرخ جایگزینی فنی (RTS) بین عوامل برای تولید در سطح ثابت بدست می‌آید.

$$RTS = -\frac{dx_2}{dx_1} = \frac{f_1}{f_2} \quad (30)$$

رفتار بهینه تولید کننده برای حداکثر کردن سود از حداکثر کردن تابع زیر بدست می‌آید:

$$\Pi = pf(x_1, x_2) - r_1x_1 - r_2x_2 - b \quad (31)$$

که در این تابع سود (Π) بنگاه با حداکثر کردن تفاوت درآمد ناشی از فروش pq و هزینه C بدست می‌آید. که در آن p قیمت فروش محصول و r_1, r_2 قیمت عوامل تولید متغیر و b هزینه عوامل تولید ثابت می‌باشد. در این حالت شرط لازم از مساوی صفر قرار دادن مشتقات اول تابع فوق نسبت به عوامل تولید بدست می‌آید. و برای تامین شرط کافی برای حداکثر بودن (۳۱) مینورهای اصلی دترمینان هشین مربوطه باید تغییر علامت دهند. اگر معادلات بدست آمده در شرط

لازم را برای x_1 و x_2 حل کنیم توابع تقاضا برای عوامل تولید بدست می آید:

$$x_1 = \phi_1(r_1, r_2, p) \quad (32)$$

$$x_2 = \phi_2(r_1, r_2, p)$$

مکان هندسی نقاطی که با ترکیب عوامل تولید در حداقل هزینه بتوان تولید نمود مسیر توسعه بنگاه را تعریف می نماید. به عبارت دیگر میزان حداکثر تولید در سطوح مختلف هزینه مختصاتی از بکارگیری عوامل تولید را خواهد داشت که مکان این ترکیب های عوامل تولید مسیر توسعه بنگاه نامیده می شود و بنگاه همواره ترکیب عوامل تولید خود را به گونه ای انتخاب خواهد کرد که روی این مسیر قرار گیرد. این مسیر را به شکل تابع زیر تعریف می کنیم:

$$g(x_1, x_2) = 0 \quad (33)$$

تابع هزینه بنگاه از حل همزمان تابع تولید و خط هزینه و مسیر توسعه بنگاه برای C بدست می آید. به عبارت دیگر سه تابع زیر را برای C حل می کنیم:

$$q = f(x_1, x_2)$$

$$c = r_1 x_1 + r_2 x_2 + b \quad (34)$$

$$0 = g(x_1, x_2)$$

رابطه زیر بدست می آید که تابع هزینه نامیده می شود:

$$c = \phi(q, r_1, r_2) + b \quad (35)$$

تابع عرضه محصول بنگاه در یک بازار رقابت کامل عرضه آن مقدار کالا را مشخص می نماید که از شرط لازم حداکثر کردن سود بدست می آید. و شرط حداکثر کردن سود با تساوی قیمت و هزینه نهایی بدست خواهد آمد. به عبارت دیگر تابع عرضه بنگاه (S) در بازار رقابت کامل برای مقادیری از قیمت که بالاتر از حداقل هزینه متغیر متوسط باشد خواهد بود.

اسراف در تولید

اسراف در تولید را می توانیم از لحاظ مختلف بررسی نمائیم. موارد زیر در این ارتباط قابل طرح می باشند:

- اسراف در بهره وری کل¹⁶: یعنی با عوامل تولید ثابت مقدار تولید کمتر از مقدار تولیدی باشد که در شرایط حداکثر بازدهی قابل حصول است.
- اسراف در ترکیب نابهینه عوامل تولید¹⁷: یعنی ترکیب عوامل تولید به صورت بهینه در فرآیند تولید بکار گرفته نشود.
- ضایعات در تولید¹⁸: به معنی درصد فرآورده های معیوب یا پائین تر از استاندارد موردنظر در تولید
- فساد محصول: به معنی عدم وجود فرآیندهای صحیح انبارداری، نگهداری، بسته بندی و یا توزیع محصول.

اسراف در بهره وری کل

یکی از مصادیق اسراف در تولید اسراف در بهره وری کل است. افزایش بهره وری کل به معنای این است که از

¹⁶ - Total productivity

¹⁷ - Allocative inefficiency

¹⁸ - Technological inefficiency

مقادیر ثابت عوامل تولید بتوان محصول بیشتری را احصاء نمود. اگر تابع تولید را به شکل زیر در نظر بگیریم:

$$q = Af(x_1, x_2) \quad (36)$$

که A مبین بهره‌وری کل است اگر $A=1$ باشد تابع تولید به حالت معادله (۲۹) خواهد بود. حال دو وضعیت را با یکدیگر مقایسه می‌کنیم. یکی تولید پربازده در حالت بهترین نحو استفاده از منابع و دیگری تولید کم بازده در حالتی که بهترین نحو استفاده از منابع صورت نمی‌گیرد. مسلماً در دو حالت استفاده از عوامل تولید در چارچوب بهینه‌گی تولید استفاده می‌شود. برای بیان این حالت از رابطه زیر استفاده می‌کنیم:

$$A^* = A - A^{\sim} \quad (37)$$

A^* آن مضرب از بهره‌وری کل است که در عمل تولید می‌شود و A^{\sim} مرتبط با آن مقدار از تولید است که به دلیل عدم رعایت نکات بهره‌وری عملاً تولیدی از برای آن احصاء نمی‌گردد. این بخش از تولید که به این دلیل احصاء نمی‌گردد را بعنوان «اسراف در بهره‌وری کل» نامگذاری می‌نمائیم. با جایگزینی (۳۷) در (۳۶) خواهیم داشت:

$$q = A^* f(x_1, x_2) + A^{\sim} f(x_1, x_2) \quad (38)$$

در جمله سمت راست تولید احصاء شده (q^*) و تولید احصاء نشده (q^{\sim}) به دلیل اسراف در بهره‌وری کل می‌باشد. به عبارت دیگر:

$$q = q^* + q^{\sim} \quad (39)$$

اسراف در بهره‌وری کل (q^{\sim}) به معنی بکارگیری منابع یا عوامل تولید مازاد برای تولید محصول موردنیاز می‌باشد. به عبارت دیگر میزان مواد اولیه مازاد به هرز رفته یا تباه شده را می‌توان بدین شکل محاسبه نمود. اگر معادله زیر را برای C حل کنیم:

$$\begin{aligned} q &= A^* f(x_1, x_2) + A^{\sim} f(x_1, x_2) \\ 0 &= g(x_1, x_2) \\ C &= r_1 x_1 + r_2 x_2 + b \end{aligned} \quad (40)$$

خواهیم داشت:

$$C = \phi(q^*, r_1, r_2) + \phi(q^{\sim}, r_1, r_2) + b \quad (41)$$

یعنی هزینه از دو بخش هزینه برای تولید احصاء شده و هزینه اسراف برای تولید احصاء نشده تشکیل شده است. از سوی دیگر با استفاده از روابط فوق می‌توانیم میزان تقاضا برای عوامل تولید را نیز بدست آوریم. یعنی:

$$\begin{aligned} x_1 &= x_1^* + x_1^{\sim} \\ x_2 &= x_2^* + x_2^{\sim} \end{aligned} \quad (42)$$

به عبارت دیگر بر اساس روابط (۳۲) خواهیم داشت:

$$\begin{aligned} x_1 &= \phi_1^*(r_1, r_2, p) + \phi_1^{\sim}(r_1, r_2, p) \\ x_2 &= \phi_2^*(r_1, r_2, p) + \phi_2^{\sim}(r_1, r_2, p) \end{aligned} \quad (43)$$

مقادیر ϕ_1^{\sim} و ϕ_2^{\sim} تقاضاهای اسراف برای عوامل تولیدی است که اگر بازدهی کل تولید در وضعیت بهره‌وری حداکثر قرار می‌گرفت مقادیر آنها صفر می‌گشت ولی چون اسراف در بهره‌وری کل وجود دارد رقم آنها در روابط فوق به صورت اعداد مثبتی نمایانگر است. این ارقام مثبت ϕ_1^{\sim} و ϕ_2^{\sim} عملاً سبب می‌شود تا توابع تقاضا برای عوامل تولید به سمت راست انتقال یابند و انتقال تابع تقاضای عوامل به سمت راست باعث بکارگیری بیشتر عوامل تولید و

گران تر شدن قیمت عوامل تولید خواهد شد، بدون اینکه محصول بیشتری تولید گردد.

اسراف در ترکیب نابهینه عوامل تولید

یکی دیگر از موارد اسراف در مبحث تولید استفاده نابهینه از عوامل تولید است. در ترکیب عوامل تولید، نظریه اقتصاد خرد امکان تولید را در دو ناحیه کلی مدنظر قرار می‌دهد. یکی ناحیه غیرمنطقی تولید است که در این ناحیه بازدهی نهایی حداقل یکی از عوامل تولید منفی است. مسلماً در این ناحیه اسراف عوامل تولید بسیار زیاد است. منفی بودن بازدهی عامل تولید به معنی بکارگیری عامل تولید مربوطه بیش از حد می‌باشد که سبب شده بکارگیری واحدهای نهایی از آن عامل میزان تولید را کاهش دهد. مثلاً اگر در زمینی بیش از اندازه بذر پاشیده شود تولید نه تنها افزایش نمی‌یابد بلکه کاهش نیز پیدا می‌کند. ناحیه دوم، ناحیه منطقی تولید است در این ناحیه اسراف کمتر از ناحیه قبلی می‌باشد ولی به دلیل عدم استفاده بهینه از منابع، محصول می‌تواند در حداکثر قابل احصاء نباشد. در ناحیه منطقی تولید بازدهی نهایی عوامل تولید مثبت است ولی ترکیب بکارگیری عوامل صحیح نیست. چنانچه ترکیب عوامل تولید را بهینه نمائیم این نقیصه رفع خواهد شد و اسراف از بین خواهد رفت.

از لحاظ ریاضی رفتار حداکثر تولید با توجه به محدودیت هزینه از حداکثر کردن تابع لاگرانژ زیر بدست

خواهد آمد:

$$V = f(x_1, x_2) + \mu(C^0 - r_1x_1 - r_2x_2 - b) \quad (44)$$

با قرار دادن مشتقات تابع فوق نسبت به x_1, x_2, μ مساوی صفر خواهیم داشت:

$$\frac{f_1}{f_2} = \frac{r_1}{r_2} = RTS \quad (45)$$

به عبارت دیگر نرخ جایگزینی فنی برابر نسبت قیمت عوامل تولید می‌باشد. این نقطه به معنی محل تماس خط هزینه C^0 با منحنی محصول یکسانی^{۱۹} می‌باشد که منحنی اخیر حداکثر محصول را با توجه به محدودیت هزینه تولید می‌کند. مسلماً هر ترکیب دیگری به غیر از این ترکیب عوامل تولید سبب اسراف در عامل تولید است و همانگونه که در (۴۲) و (۴۳) نشان داده شد به میزان \tilde{x}_2, \tilde{x}_1 تقاضا برای عوامل تولید را افزایش داده بدون اینکه محصولی از بابت آن ایجاد نماید.

ضایعات تولید

ضایعات تولید معمولاً به دلایل مختلف بوجود می‌آید که تنوع این دلایل بسیار زیاد است و از اهمال کارگر تا نامرغوب بودن مواد اولیه تا ایرادات در ماشین آلات تولید یا دیگر مسائل را شامل می‌شود که این موارد در خطوط تولید صنعتی و سنتی و بسته به نوع تولید کالا یا حتی خدمت و فعالیت موردنظر متفاوت است ولی همه آنها را اینجا تحت عنوان ضایعات تولید به عنوان بخشی از تولید که کیفیت موردنظر را ندارد قرار می‌دهیم. ضایعات تولید به دلیل حجم زیاد آن معمولاً استفاده‌های خاصی نیز دارند و معمولاً بنگاههای دیگر آنها را برای استفاده‌های متفاوتی خریداری می‌کنند ولی به هر حال به دلیل اینکه مرغوبیت کافی ندارند سبب نقصان بازدهی بنگاه شده‌اند. لذا برای اینکه از اطاله و تکرار کلام خودداری نمائیم می‌توانیم همان آثار نشان داده شده برای کاهش در بازدهی کل را به این مبحث نیز تعمیم دهیم. به عبارت دیگر نتیجه گیری نمائیم که افزایش ضایعات به معنای کاهش در بازدهی کل تولید بوده و این کاهش

¹⁹ Isoquant

همان اثرات مشابه را دارد. پس هرچه ضایعات در تولید افزون گردد تقاضای عوامل تولید بیشتر شده بدون اینکه محصول افزایش یابد.

فساد محصول

فساد محصول پدیده‌ای در تعاقب فعالیت تولیدی بنگاه است ولی چون محصول تا تحویل به خریدار از دارایی - های تولیدکننده محسوب می‌شود لذا این مبحث را جزو موارد اسراف در مبحث تولید قلمداد می‌نمائیم. هرچند این ناکارایی می‌تواند ناشی از سرویسهای بعدی نظیر حمل و نقل و توزیع باشد ولی سهل انگاری مدیریت عملیات و فروش در بنگاه تولیدی می‌تواند از این نوع عارضه جلوگیری کند. محصول همیشه پس از تولید در انبار یا محلی دپو می‌شود تا به چرخه توزیع و نهایتاً مصرف انتقال یابد. دپوی محصول می‌تواند سبب فساد محصول گردد. این مورد نه تنها برای کالاهای فاسدشدنی صادق است بلکه مصادیقی در کالاهای غیرفاسدشدنی نیز دارد. مثلاً زنگ زدگی و خوردگی به دلیل رطوبت یا اسیدیته آب و هوا حتی آهن آلات را نیز مورد هجوم قرار می‌دهد و آنها را به فساد می‌کشاند. مسلماً فساد محصول به معنای ظاهری آن از دست دادن کالا است و به معنای تولیدی آن از دست دادن منابع تولید اعم از انواع عوامل تولید بکار گرفته شده در تولید آن محصول می‌باشد. بر این اساس در این مبحث نیز می‌توان عیناً استدلالات مربوط به اسراف را در معادلات (۴۲) و (۴۳) تعمیم داد که فساد محصول سبب بکارگیری بخشی از منابع عوامل تولید می‌گردد که عملاً سبب بازدهی نخواهند شد.

اقتصاد دانش محور و اقتصاد اخلاق

اقتصاد دانش محور رفتارهای اقتصادی را در جامعه بشری تحت تأثیر شدید خواهد گذاشت. گذر از رفتار اقتصاد سنتی به اقتصاد دانش محور با تحولات عمده فناوری اطلاعات و ارتباطات همراه است. توسعه و رشد سریع^{۲۰} فناوری اطلاعات و ارتباطات تأثیرات چند جانبه‌ای در مجموعه رفتارهای اقتصادی بوجود خواهد آورد و همراه با آن الگوهای مصرفی و رفتارهای اقتصادی تغییر شکل می‌یابند. در این ارتباط خرید و فروش کالا از طریق اینترنت و تجارت الکترونیکی به دلیل سهولت‌های و کارایی‌های آن می‌تواند منجر به افزایش شدید مصرف نیز گردد.

در اقتصاد دانش محور تولید، توزیع و استفاده از دانش و اطلاعات نقش مهمی را در ارتباط با فعالیت‌های اقتصادی ایفا می‌کند. ارتباط اقتصاد دانش محور با تکنولوژی پیشرفته ارتباطات و خدمات دریافت و پرداخت مالی از عوامل مهم تغییر شکل رفتار تولیدکننده و مصرف کننده و حتی تغییر شکل فرم تابعی تولید (به دلیل تغییر تکنولوژی تولید) و فرم تابعی تابع مطلوبیت مصرف کننده (به دلیل تغییر سلیقه و تبدیل نظام ارجحیت‌های آشکار وی) می‌باشد، زیرا عنصر دانش به عنوان ارزش در محتوای تولید و خدمات، به شدت اهمیت یافته و لذا فناوری اطلاعات و ارتباطات با اثر بر همه عوامل تولید و بر همه کالاهای تولیدی فرآیند تولید و الگوی مصرف را به سمت تنوع و کثرت تولید و مصرف

^{۲۰} برای مثال هر ۱۸ ماه با قیمت ثابت سرعت مایکروچیها دو برابر می‌شود و پهنای باند سیستمهای ارتباطی هر ۱۲ ماه ۳ برابر می‌شود و ارزش یک شبکه متناسب با مربع تعداد گره‌های آن شبکه است، به طوری که با رشد شبکه ارزش ارتباطی به صورت نمایی بالا می‌رود و این در حالی است که هزینه آن برای مشتری ثابت است. ارتباط تجارت الکترونیکی و اقتصاد دانش محور، علی اکبر جلالی، مجموعه مقالات همایش تجارت الکترونیکی.

تحلیلهای نظری فوق با ملاحظات اقتصاد دانش محور نه تنها نسخ نمی شوند بلکه بر اهمیت دیدگاه اقتصاد اخلاق نیز می افزاید. زیرا اقتصاد دانش محور با تشدید کارائی و بالابردن رانندومان و تسهیل عملیات چگونگی رفتارهای اقتصادی را تغییر داده و حادث می نمایند. تحولات فناوری اطلاعات و ارتباطات علی الاصول از زوایای زیر تحلیل های فوق را متأثر می سازند و الگوهای مصرفی و رفتارهای اقتصادی را تغییر شکل می دهند:

- خرید و فروش کالا از طریق اینترنت و سایر شیوه های تجارت الکترونیکی
- سهولت دسترسی در تمام ساعات روز و ایام هفته به بازارها، مشتریان، فروشندگان، واسطه ها
- عدم لزوم به حضور و ارتباط مستقیم
- کاهش هزینه های دریافت و پرداخت از طرق مختلف سیستم های الکترونیکی
- کاهش هزینه های خرید و فروش و انبار و توزیع
- کاهش هزینه های واسطه ها
- کاهش هزینه های سربار
- افزایش سرعت مراحل خرید و فروش و تحویل
- سهولت تبلیغ و معرفی کالا و خدمت
- افزایش رانندومان تبلیغات در تشویق مصرف با بکارگیری ابزارهای جذاب تبلیغ نظیر الوان و اصوات، نمایش
- کاهش خطا نسبت به روش سنتی معاملات
- دسترسی آسان به بازارهای بزرگ جهانی
- حضور بی وقفه در سراسر گیتی
- بهنگام بودن اطلاعات بازار
- شفافیت بیشتر اطلاعات بازار
- تکثر انواع کالا و خدمت
- خلق ابداعات مالی جدید

این تحولات از طرق زیر اثر خود را بر رفتار مصرف کنندگان و تولید کنندگان خواهند گذاشت:

- تغییر شکل فرم تابعی تولید به دلیل تغییر تکنولوژی تولید و نتیجتاً جایگزینی عوامل تولید سرمایه بر با بازده بالاتر و نیروی کار ماهر و متخصص. و از سوی دیگر افزایش منابع مالی آزاد بنگاه در اثر کاهش هزینه های جانبی فروش و توزیع و نتیجتاً افزایش تولید.
- تغییر شکل فرم تابعی تابع مطلوبیت مصرف کننده به دلیل تغییر سلیقه و ورود کالاهای جدید مصرفی و تغییر ارجحیت های مصرفی مصرف کننده. و نتیجتاً حذف برخی هزینه های ابتیاع و معاملات و افزایش مصرف سایر کالاها به دلیل اثر جایگزینی ناشی از صرفه جوئی در هزینه های معاملات و ...

^{۲۱} نگاه کنید به:

خلاصه و نتیجه گیری

اقتصاد اخلاق به عنوان مبحثی که کمتر در نظریات جدید اقتصادی مورد توجه قرار گرفته از مباحث مهمی است که می تواند در روش زندگی بشر تأثیرات مثبت قابل توجهی داشته باشد. اسراف به معنی تباه کردن منابع برخلاف اصل بهره بردن حداکثر از منابع در اقتصاد می باشد براساس نظریه رفتار مصرف کننده نئوکلاسیک مبنای رفتاری مصرف بر اساس فروضی قرار دارد و در اقتصاد اخلاق در مبحث اسراف علاوه بر فروض رفتار مصرف کننده در اقتصاد نئوکلاسیک فروضی نظیر اشباع ناپذیری قابل نقض است. براساس اقتصاد نئوکلاسیک افراد تمایل به حداکثر نمودن مصرف با توجه به ارجحیت های خود در کار و فراغت دارند، ولی در عمل مطلوبیت ناشی از مصرف بر مطلوبیت ناشی از فراغت می چربد.

اسراف منابع نوعی اتلاف منابع نیز هست ولی واژه اسراف مفهوم عامتری دارد که شامل زیاده روی در همه امور نیز می شود که اتلاف این تنوع مفهومی را ندارد. اسراف سبب می شود بخشی از منابع کالایی دچار افساد با تباهی یا دورریزی یا زبالگی، ناشی از «حرص خرید»، یا ناشی از «مصرف تقلیدی»، یا «مصرف خودنمایی» یا «مصرف تشویقی»، یا «مصرف عادی» یا بطور کلی تر «مصرف گرایی» شود. در این مقاله نشان داده شد که مصرف کننده بخشی از مطلوبیت خود را به دلیل اسراف از دست می دهد. و باید کار خود را اضافه و از فراغت خود کم کند تا منابع درآمدی لازم برای اسراف را جبران نماید و مطلوبیت اضافه ای هم بدست نیاورد. به عبارت ساده اسراف سبب از بین رفتن فراغت انسان ها و مطلوبیتی که از فراغت می برند خواهد شد.

مصادیق اسراف در رفتار تولیدکننده و در فرآیند تولید نیز بررسی شد. به دلایل مختلف خط تولید می تواند مولد ضایعات یا افساد مواد اولیه یا واسطه ای یا کالای تولیدی شود یا محصول را با بهای تمام شده بالاتر تولید نماید و عوامل تولید را بیش از حد لزوم بکار گیرد. به عبارتی بخش عمده اسراف در تولید به استفاده ناکارا از عوامل تولید منتج می شود. مصادیق اسراف در تولید در بهره وری کل، در ترکیب نابهینه عوامل تولید، ضایعات در تولید و فساد محصول بررسی شد.

گذر از رفتار اقتصاد سنتی به اقتصاد دانش محور با تحولات عمده فناوری اطلاعات و ارتباطات همراه است. توسعه و رشد سریع فناوری اطلاعات و ارتباطات تأثیرات چند جانبه ای در مجموعه رفتارهای اقتصادی بوجود خواهد آورد و همراه با آن الگوهای مصرفی و رفتارهای اقتصادی تغییر شکل می یابند. تحلیلهای فوق با ملاحظات با اقتصاد دانش محور که با تشدید کارائی و بالابردن راندمان و تسهیل عملیات از زوایای مختلف الگوهای مصرفی و رفتارهای اقتصادی را مدنظر قرار می دهد تکمیل می گردد.

در مجموع اثر اسراف در جامعه در تعادل بازارها در اقتصاد منجر به موارد زیر خواهد شد:

- کالای بیشتری مصرف می گردد بدون افزایش مطلوبیت.
- تقاضای کالا بیشتر و قیمت آن افزایش می یابد.
- فراغت نیروی انسانی کمتر خواهد شد.
- کالای کمتری تولید می شود.
- نیروی انسانی بیشتری بکار گرفته می شود.

- عوامل تولید بیشتری صرف تولید می‌گردد.
- تقاضای عوامل تولید بیشتر و قیمت آنها بالاتر می‌رود.
- کارایی کم می‌شود.
- رفاه جامعه کمتر می‌شود.

در این مقاله به این نتیجه می‌رسیم که اگر آموزه‌های اقتصاد اخلاق در شاكلة الگوی مصرف تقویت شوند می‌توان رفتارهای اقتصادی را به سمت رفتار معتدل مصرف سوق داد. و اگر آموزه‌های اخلاق اقدام به اصلاح این فرآیند نمایند انسانها در مسیر تحولات مبدل به ابزاری برای تولید کالا و مصرف آن خواهند شد و آنچه که انسان برای آن خلق شده که برتر از تولید و مصرف مادی است، در این اشتغال بیش از حد به تولید و مصرف مادی جایی پیدا نخواهد کرد. به عبارت دیگر اگر رفتار اقتصادی افراد تربیت نشود اقتصاد متعارف انسانها را به سمت تبدیل آنها به ماشین «فقط تولید- فقط مصرف» خواهد کشید.

منابع

- حضرت حاج ملا سلطان محمد بیدختی گنابادی، بیان السعادة في مقامات العبادة. ترجمه دکتر حشمت‌الله ریاضی و محمد آقا رضاخانی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۷، تهران. چاپ عربی این تفسیر در دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۴ به طبع رسیده است.
- راغب اصفهانی، معجم مفردات الفاظ القرآن، انتشارات دارالفکر، بیروت، لبنان.
- احمد علی رجائی بخارایی، فرهنگ لغات قرآن خطی شماره ۴ آستان قدس رضوی با ترجمه فارسی کهن، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۳، وزارت فرهنگ و آموزش عالی. این مجموعه از قرآن مزبور استخراج شده است و کاتب قرآن مزبور سعد بن عبدالجبار بن احمد المکنی بابی الحرث.
- علی اکبر جلالی، ارتباط تجارت الکترونیکی و اقتصاد دانش محور، مجموعه مقالات همایش تجارت الکترونیکی، تهران. <http://www.hiberd.com/essay-hiberd/documents-hiberd/03.doc>

- James M. Henderson, Richard E. Quandt (1980), Microeconomic theory, a mathematical approach, 3rd edition, McGraw-Hill Book Company.
- R. Blundell (1991), Consumer behavior: Theory and empirical evidence – A survey. In surveys in economics, edited by Andrew J. Oswald, vol. 2. The Royal economic society, Blackwell, Britain.
- C. E. Ferguson, J. P. Gould, (1975), Microeconomic theory, Richard D. Irwin Inc. United States.
- Knowledge Economy Forum III, The World Bank and the Government of Hungary, Improving Competitiveness Through a Knowledge-Based Economy, Budapest, March 23-26, 2004.
- Samuel Strauss (1870-1953) Critics on consumptionism. The Atlantic Monthly, Nov. 1924.

Squandering in Ethic Economics

(Consumer and Producer Behaviors Analysis)

Bijan Bidabad²²

Keywords: *Consumer theory, Firm behavior, Squandering, Ethic economics, Welfare economics, entertainment*

JEL: D11, D21, Z12, D19, D24

Abstract:

This paper investigates the effects of squandering on the economic behavior of consumer and firm. Commodity squandering creates no utility for consumer. Just the "(real) consumption (usage)" satisfies the preference ordering rules of consumer behavior and the "squandered" commodities do not satisfy these rules. Definitionally, consumption is equal to "real usage" plus "squandered" commodities. Thence, the consumer will lose some parts of her utility because of squandering (because of lost resources). The amount of lost income resources due to squandering should be recompensated by more works to preserve the consumer's welfare constant. In this paper, we analyze the consumer work-leisure behavior from the squandering viewpoint. In the second part of the paper, squandering in production is examined. Squandering effects in total productivity, non-optimal allocation of production factors, product wastage and product decay are analyzed as less productivity and less supply of products due to squandering. According to this analysis, it can be concluded that squandering will decrease the leisure and its corresponding utility of human being. Thus, if the ethic economics' doctrine affects the consumption pattern this process will be moved to a moderated consumption. Otherwise, the society will move toward exploiting all of her capital to: "just produce-just consume". The latter will be intensified by knowledge-based economic progress.

²² Professor Bijan Bidabad is economic advisor to Institute for Trade Studies and Researches, Ministry of commerce, Tehran, Iran, bidabad@yahoo.com bijan@bidabad.com <http://www.bidabad.com/>